

دردبر کنفرانس ملی حزب توده ایران!

چان ما را به صف اول بیکار طلب
زان که در پیشروی تیر و سنایم همه

رهروان پاکباز راه ارانی، روزبه، حکمت
جو، وارطان، تیزابی، افضل، کبیری، جهاد، کی
منش و هزاران شهید خونین کفن توده ای، هرگز
راه خود را از راه حزب پرافتخارشان جدا
نکرده اند و تا پای جان تلاش داشته اند و دارند
که پرچم حزب توده ها، حزب طراز نوین طبقه
کارگر و پی گیرترین مدافع حقوق زحمتکشان را
پرافراشته و در امتزاز نگهدارند. کم نیستند
چان های آزاده و پرشوری که برای دستیابی به
آماج های انقلابی و مردمی حزب پیوسته به آب و
آتش زده اند و کم نیستند آنانی که سالیان دراز
زندگی خود را در راه پیروزی حزب توده ها در
سیاه چال های تاریک و مرطوب و در سخت ترین
شرایط شکنجه و تعزیر سیری کرده اند و می کنند.

این است پشتوانه حزب ما و راز جاودانگی آن.
کنفرانس ملی حزب، برآمد یکی از خواست
های بزرگ اعضاء و هواداران حزب و
ادامه دهندگان راستین راه هزاران توده ای در بند
در شرایط کنونی و مورد پشتیبانی پرشور و شایسته
آنان است. در زمان کوتاه پس از برگزاری
کنفرانس ملی از جانب واحدها و هسته های حزبی
در داخل و خارج کشور و نیز بسیاری از اعضاء و
هواداران، پیام های شادباش بسیاری به دفتر "
نامه مردم" رسیده که نشانگر تاثیر بسیار مثبت
نتایج کنفرانس در روحیه رفقا و پشتیبانی بی
شائبه آنان از مصوبات کنفرانس است. بدیهی
است، به دلیل محدود بودن صفحات "نامه مردم"
انتشار همه پیام ها عملی نیست. اینک به
مصدق مشت نمونه خروار قسمت هایی از برخی
پیام ها را با هم مرور می کنیم:

واحدهای حزبی در بریتانیا، فرانسه، آلمان،
برلن، آمریکا، کانادا، هندوستان، سوئد و
دانمارک طی پیام مشترکی نوشته اند:

بقیه در ص ۲

پیام کنفرانس ملی حزب توده ایران به

حزب کار انگولا

رفقای عزیز!

سلام های گرم و پرشور شرکت کنندگان در
کنفرانس ملی حزب توده ایران را بپذیرید.

کنفرانس ملی حزب ما در شرایطی برگزار

بقیه در ص ۲

روند رویدادهای نوین

در افغانستان دموکراتیک

در ص ۸

بحران اقتصادی - اجتماعی رژیم از دیدگاه

کنفرانس ملی حزب توده ایران (۲)

راه برون رفت

حزب توده ایران یگانه سازمانی سیاسی در کشور بود که
بلافاصله پس از پیروزی انقلاب، مسئله ضرورت دستیابی به
استقلال اقتصادی را سرلوحه مبارزه خود قرار داد و با ارائه انواع
برنامه ها، طریقه های دستیابی به آن را نیز نشان داد. مادر همان
آغاز - پس از پیروزی انقلاب - نوشتیم، انقلاب ایران باید در
راه چنان پیشرفت اجتماعی ای جهت داده شود که بتواند نظام
اجتماعی - اقتصادی به مراتب پیشروتر از نظام سرمایه داری را در
کشور مستقر سازد. ما تاکید کردیم که این امر وقتی با موفقیت
قرین خواهد بود که حاکمیت سیاسی در دست نیروهای مترقی و
انقلابی متمرکز گردد. زیرا معتقد بودیم و امروز نیز برآنیم که فقط

بقیه در ص ۴

مبارزه علیه جنگ راسازمان دهیم

جنگ ادامه دارد. حملات جدید نیروهای مسلح
ج.ا. که به کشتار ده ها هزار تن از هموطنان ما
می انجامید، نتوانست تغییرات محسوسی در
منطقه عملیات جنگی پدید آورد. ج.ا. همچنان
بندر مخروبه و غیرقابل استفاده "فاو" را در
دست دارد. ارتش عراق مواضع ایران را زیر آتش
مستمر توپخانه و حملات هوایی گرفته و تلفات
سنگینی به نیروهای مسلح در "فاو" وارد می سازد.
به نوشته مطبوعات خارجی در جریان تصرف این
جزیره ۲۰ تا ۴۰ هزار نفر از جوانان میهن ما کشته
شده اند. از تعداد زخمی ها خبری در دست نیست.
در حمله به مهران نیز تلفات طرفین سنگین
بود. جنگ در این منطقه همچنان ادامه دارد. طی
هفته های اخیر هواپیماهای عراقی چندین بار
جزیره خارک را مورد حمله قرار داده اند. رژیم
چنایتکار خمینی از انتشار خبر مربوط به
خسارتهای چانی و مالی جلوگیری می کند. اما
همه می دانند، جنگ خسارتهای چانی و مالی
عظیمی برای هر دو طرف متخاصم بهار آورده
است. مجموع کشته ها و زخمی ها طی شش سال
جنگ بی حاصل به یک میلیون نفر بالغ می شود.
خسارتهای اقتصادی غیرقابل محاسبه است.

افزون بر این، جنگ سالیانه میلیاردها دلار
هزینه دارد. طبق نوشته روزنامه کویتی "الدواء"
فقط در سالهای ۱۹۷۸ - ۱۹۸۲، کل هزینه تامین
نیروهای نظامی طرفین به بیش از ۹۰ میلیارد دلار
بالغ شده است. هم رژیم ج.ا. و هم رژیم عراق
برای ادامه دادن به جنگ مجبور به اخذ وام
خارجی هستند. به موجب اخبار منتشر شده در
مطبوعات خارجی، وام خارجی ایران در سال
۱۹۷۵ به ۵ میلیارد دلار بالغ شد. کاهش سریع
بهای نفت و تقلیل مصرف آن در جهان، از نظر
مالی هر دو کشور را پیش از پیش ضعیف کرده و
این مسئله خواه ناخواه به افزایش سریع میزان
وامهای خارجی آنها منجر خواهد شد. با این وجود
بقیه در ص ۲



شماره ۱۱۳ دوره هشتم
سال سوم پنجشنبه ۹ مرداد ۱۳۶۵
بها ۲۰ ریال

چگونه باید علیه اخراج و بازخرید مبارزه کرد؟

در شرایط کنونی، نداشتن امنیت شغلی به یکی
از حادترین مسائل کارگران و زحمتکشان کشور
ما بویژه در واحدهای صنعتی وابسته، تبدیل
شده است. اخراج های فردی و گروهی همچنان
ادامه دارد. در پی بالاگرفتن موج مقاومت
کارگران و زحمتکشان در برابر اخراج های
گسترده و بی رویه و بدون پرداخت هرگونه حقوق
و مزایای قانونی، مدیران و کارفرمایان
کارخانه ها و واحدهای تولیدی با حمایت رژیم و
وزارت کار کارگر ستیز آن، مسئله بازخرید
کارگران را در ابعاد وسیع مطرح می سازند.

بخاطر بحران اقتصادی و ورشکستگی مالی،
کمتر کارخانه ای شیفت شبانه دارد و کارگران
در آن اضافه کاری می کنند. کارخانه ها بخاطر
نبود مواد اولیه، لوازم یدکی و نیم ساخته یکی
پس از دیگری به تعطیل یا کاهش تولید کشانده
می شوند. در حال حاضر، آن واحدهای صنعتی که
هنوز چرخ تولیدشان از حرکت باز نایستاده،
اغلب با ۲۰ تا ۴۰ درصد ظرفیت اسمی خود
کار می کنند. در نتیجه، لحظه ای حرف از "خلاص"
شدن از دست کارگران و کارمندان مازاد بر
احتیاج از زبان مدیران و کارفرمایان نمی افتد.
در اکثر کارخانه ها، کارگران را در برابر
انتخاب یکی از سه راه: بازخرید، مرخصی های
بدون حقوق چندماهه و یا رفتن به جبهه های بی
بازگشت جنگ در مقابل دریافت حقوق و مزایا
قرار می دهند.

سیاست مرخصی چندماهه و بازخرید و اخراج
کارگران و زحمتکشان در سطح وسیع و به اشکال
گونگون و با توسل به شکردهای رنگارنگ به
اجرا گذارده می شود. مثلا مدیریت کارخانه
"تولید دارو" به کارگران مرخصی ۴ ماهه
می دهد. در کارخانه "پلیمن"، تولیدکننده
لوله های پلیکا با بیش از ۱۳۰۰ کارگر، ۸۰ درصد
بقیه در ص ۲

چگونه باید علیه اخراج ...

کارگران از آن جمله کارگرانی ۱۲۴ سال سابقه کارمند بازخرید شده اند. در کارخانه "ایران ناسیونال" مدیریت کارگران را گرد می آورد و برایشان درباره عدم توانایی دولت در تامین ارز مورد نیاز کارخانه روده درازی می کند و سپس مطرح می سازد که کارگران می توانند در مقابل دریافت ۶ ماه حقوق و یک ماه حقوق به ازای هر سال سابقه کار بازخرید شوند.

"باز خرید تشویقی" نیز شکل دیگری از باز خرید است. در تعداد پرشماری از کارخانه ها، بخشنامه هایی صادر شده است، مبنی بر اینکه اگر کارگران داوطلبانه تقاضای باز خرید کنند می توانند از مزایای تا دوماه حقوق در ازاء هر سال سابقه کار، بهره مند گردند. مثلاً در کارخانه فیلیپس مدیریت اعلام داشته که کارگران می توانند به ازاء سالی ۵ روز حقوق و دریافت یک تلویزیون رنگی خود را باز خرید کنند.

افزون بر اینها، رژیم با آگاهی از وضع فلاکت بار زندگی اقتصادی زحمتکشان، چرخ مرخصی چند ماهه و باز خرید، "درباغ سبز" دیگری را هم به آنها نشان می دهد؛ رفتن به جبهه و بهره مند شدن از حقوق و مزایا. سردمداران مرتجع رژیم جمهوری اسلامی برای پیشبرد نقشه های شوم چنگ طلبانه خود از هیچ تلاش و تبهکاری فروگذار نمی کنند. پناه به خبرهای دریافتی، گردانندگان کارخانه ها دیگر رسماً و با کمال وقاحت از اعزام اجباری سه ماهه کارگران و کارمندان صحبت می کنند. در نمازخانه کارخانه "جهان چیت" اعلام می شود که "کمک به جبهه پر دین و نوع است. یا کمک مالی و یا کمک چانی. کمک چانی عبارت است از رفتن سه ماه به جبهه و کمک مالی عبارت است از شش ماه کار بدون حقوق. همه باید دین خود را نسبت به چنگ ادا کنند." در کارخانه "ایران وانت" مدیریت ضمن تعیین ضرب الاجل، برای ثبت نام و اعزام زحمتکشان، اعلام کرده است که "کارکنان کارخانه، کارگر یا کارمند، بدون استثناء باید سه ماه از سال را در جبهه خدمت کنند."

بدینسان رژیم مدافع کلان سرمایه داران و بزرگ زمینداران با اعمال انواع فشارها و تضيیقات، کارگران و زحمتکشان را شدیداً در تنگنا قرار داده است. باز خرید و اخراج، بعنوان دو پدیده زاینده عدم تامین امنیت شغلی حاکم بر محیط های کار، زندگی و آینده زحمتکشان را تهدید می کند.

باز خرید و دریافت مبلغ ناچیزی در ازاء آن برای زحمتکشان که از هزینه بالای زندگی، از گرانی فزاینده و تورم تازنده و بیکاری رنج می برند، پیامدهای ناگواری را در پی دارد. باز خرید یعنی برهاد رفتن یگانه اندوخته فردای پیری و از کار افتادگی کارگران، باز خرید یعنی بیکاری و باز خرید شدن یعنی پیوستن به ارتش جند میلیونی بیکاران. پیامدهای بیکاری دامنگیر نیز اساساً عبارتست از: فقر سیاه، مرگ

و میر زودرس ناشی از گرسنگی، افزایش میزان دزدی، قاچاق، گدایی، خود فروشی و توسل به انواع روشهای غیر اخلاقی برای گذران زندگی، تشدید روحیه یاس و انفعال، افزایش رقم خودکشی، چنایت، طلاق و ازهم پاشیدگی کانونهای خانوادگی، گسترش رقابت های ناسالم میان متقاضیان کار.

بر این بنیان، در شرایط کنونی وظیفه پر اهمیتی در دستور روز فعالیت نیروهای انقلابی و مترقی پر یژه اعضا و هواداران حزب توده ایران در عرصه کار در بین کارگران و در درون واحدهای تولیدی قرار می گیرد. نیروهای انقلابی و مترقی و پر یژه فعالان صنفی باید در واحدهای تولید از هیچ تلاشی برای سازماندهی کارگران بخاطر نقش برآب ساختن توطئه های ضد کارگری رژیم که به بیکار شدن کارگران می انجامد، کوتاهی نکنند.

هسته های حزبی! فعالان صنفی توده ای! باید دامنه فعالیت در بین طبقه کارگر را هر چه بیشتر گسترش داد. باید با هر چه استوارتر ساختن پیوندهای خود با فعالان صنفی به سازماندهی کارگران و زحمتکشان پرداخت. باید مضمون و ماهیت بیکاری و اخراج و باز خرید را برای کارگران شکافت. باید به کارگران گفت که حق کار کردن یکی از حقوق اساسی انسان و نخستین پیش شرط رشد آزادانه فرد است. باید ریشه نبود امنیت شغلی را در جامعه سرمایه داری، به کارگران شناساند. باید علل و عوامل بوجود آورنده وضعیت حاکم بر محیط های کار را که زاینده سیاست ضد مردمی رژیم و بحران اقتصادی - اجتماعی کشور و ادامه چنگ خانمانسوز ایران و عراق است، برای زحمتکشان توضیح داد.

فعالان صنفی! مدافعان حقوق طبقه کارگر! کارگران و زحمتکشان آگاه میهن ما برخاسته از شعور و تجربه صنفی - سیاسی خود در این یا آن کارخانه و واحد صنفی در برابر توطئه باز خرید و اخراج به اشکال گوناگون مقاومت می کنند (مثلاً تا کنون هیچ یک از کارگران کارخانه فیلیپس داوطلب باز خرید نشده اند یا کارگران کارخانه "یلیم" روز ۲۹ اردیبهشت با اجتماع در محل دفتر کارخانه شدیداً نسبت به سیاست اخراج و باز خرید اعتراض کردند) ولی این به هیچ وجه کافی نیست. باید مقاومت پراکنده و ناهماهنگ کارگران و زحمتکشان را در پستر یک جنبش وسیع و سراسری سازمان داد. در این راه باید از اشکال گوناگون مبارزه استفاده کرد. طبقه کارگر ایران می تواند به یاری نیروهای انقلابی و با استفاده از تجربه طبقه کارگر در دیگر کشورها، بسته به شرایط، اشکال معین و کارآمد مبارزه از جمله اعتصاب، تظاهرات، جمع آوری طومار، بست نشینی در برابر مجلس، دانشگاهها و محوطه کارخانه ها را بکار گیرد.

ارتقاء سطح جنبش کارگری - که محل های عینی او جگیری آن هم اکنون در جامعه موجود است - و پیوند آن با جنبش سراسری مردم ایران علیه رژیم، در حال حاضر، از رهگذر کشاندن

پیام کنفرانس ملی حزب توده ایران به

حزب کار ...

میشود که خلق های ایران در اثر خیانت رهبران مرتجع جمهوری اسلامی به آرمان های انقلاب ۲۲ بهمن در شرایط خفقان و ترور و محرومیت از حقوق اجتماعی و سیاسی پسر می برند و چنگ شش ساله ایران و عراق صدها هزار کشته و معلول و چندین میلیون آواره بر جای گذاشته است.

رژیم جمهوری اسلامی در سال های اخیر با بیورش های بی دریغی به حزب توده ایران قصد داشت که این پرچمدار مبارزه زحمتکشان کشور ما را برای همیشه نابود سازد. اما حزب ما علیرغم ضربه های سخت و بربرمنشانه سرکوبگران، ستاد رهبری خود را برپا داشت و اینک با پر دای کنفرانس ملی خود و اتخاذ تصمیم های سرنوشت ساز در عرصه برنامه و خط مشی سیاسی، مبارزه گسترده تری را برای سرنوشتی رژیم قرون وسطایی جمهوری اسلامی تدارک می بیند و در راه همکاری با همه نیروهای انقلابی ایران، گام های بزرگی به پیش بر می دارد.

رئیس جمهور ایران، همچون گذشته، بطور پیگیر از بیکار دلیرانه خلق شما علیه تجاوزهای رژیم نژادپرست آفریقای جنوبی و توطئه های امپریالیسم پشتیبانی خواهد کرد و مراتب سیاس خود را از حمایت بیدریغ شما از مبارزه خلق های ایران و حزب ما اعلام می دارد.

مرگ بر امپریالیسم، پسرکردگی امپریالیسم آمریکا!

ناپود باد رژیم نژادپرست آفریقای جنوبی!

زنده باد انترناسیونالیسم پرولتاری!

کنفرانس ملی حزب توده ایران

طبقه کارگر به میدان مبارزه فعال برای متوقف کردن روند اخراج و باز خرید، می گذرد. مبارزه علیه اخراج و باز خرید از آنجا اهمیت بسیار می یابد که اگر این روند ادامه پیدا کند بخش بزرگی از نیروی فعال کارگری، پر یژه پرولتاریای صنعتی از محیط های کار و مبارزه صنفی - سیاسی کنده می شوند و به جمعیت عظیم بیکاران می پیوندند. خالی شدن محیط های کار از کارگران بطور اعم و از کارگران آگاه و دارای تجربه صنفی - سیاسی بطور اخص از توان بالقوه و بالفعل جنبش کارگری کشور می کاهد و بر سیر تحولات انقلابی آینده تاثیر مشخص می گذارد.

کارگران و زحمتکشان! شما اگر متحد شوید و دوش به دوش یکدیگر در کارزار مبارزه فعال گام بگذارید، نه تنها می توانید جلوی اخراجها را بگیرید و توطئه باز خرید را بی ثمر سازید، بلکه می توانید کمز رژیم ضد مردمی حاکم را درهم بشکنید و به تمامی حقوق برحق و یایمال شده خود دست یابید.

مبارزه علیه جنگ را ...

رژیم نه تنها در صدد پایان دادن به جنگ نیست، بلکه در صدد نظامی کردن اقتصاد کشور است.

در حالی که تهران و بغداد به جنگ و خونریزی پی حاصل ادامه می‌دهند، واشنگتن و تل آویواژ آن بهره می‌گیرند. تحکیم مواضع نظامی آمریکا و متحد استراتژیک آن، اسرائیل، در منطقه فقط یکی از نتایج ادامه جنگ است.

ایالات متحده آمریکا اقیانوس هند را به بزرگترین پایگاه نظامی تبدیل کرده است. در حال حاضر، در این منطقه صدها هواپیما و ده ها نار جنگی و نیروی عظیم "اقدام سریع" آمریکا متمرکز هستند. زبردربایی‌های هسته‌ای، ناوهای هواپیمابر و بمب افکن‌های "ب-۵۲" حامل بمب های هسته‌ای شبانه روز در منطقه در حرکت هستند و هر آن می‌توانند محموله‌های مرکبار خود را به روی هدف مورد نظر فروریزند.

پنتاگون برای پایگاه دریایی و نظامی واقع در جزیره دبه گو کارسیا اهمیت ویژه‌ای قایل است. وجود این پایگاه همه کشورهای منطقه و از جمله مبین ما را تهدید می‌کند. علاوه بر سلاح‌های هسته‌ای و شیمیایی انبار شده در این جزیره، پنتاگون در نظر دارد موشک‌های "پرشینگ-۲" را، در پاکستان مستقر سازد.

آمریکا و اسرائیل و دیگر کشورهای امپریالیستی با فروش اسلحه به هر دو طرف در حال جنگ سود کلانی می‌برند. بدیهی است که روابط آمریکا و اسرائیل با رژیم خمینی، در زمینه خرید و فروش اسلحه به آن، از افکار عمومی پنهان نگاه داشته می‌شود.

۱۶ ژوئن سال میلادی جاری روزنامه مشهور سوئدی "وانگنس نوتر" در تفسیری پیرامون فروش اسلحه از جانب اسرائیل به رژیم چ.ا. نوشت که کمیته‌های سوئدی "اسکاندیناویین کمودیتی" و "مالمو" نقش واسطه را میان چ.ا. و اسرائیل ایفا می‌کنند.

جندی بیش سخنگوی سپاه پاسداران به "امت مسلمان" مژده داد که بزودی چ.ا. از لحاظ تولید کلوله توپ خودکفا خواهد شد. اما وی نگفت که مواد منفجره این کلوله‌ها از اسرائیل خریداری می‌شود.

به نوشته روزنامه سوئدی، مواد منفجره برای ساخت کلوله‌های توپ های ۱۰۵ و ۱۵۵ میلیمتری ساخت آمریکا را دولت اسرائیل از طریق کمیته‌های سوئدی به آرژانتین حمل می‌کرد که از آنجا مستقیماً به ایران منتقل می‌شد. کارل - اریک اشینز مدیر اجرایی کمیته "اسکاندیناویین کمودیتی" از سال ۱۹۸۲، مهمترین واسطه صدور اسلحه و مهمات به ایران بوده و هنوز هم به این کار ادامه می‌دهد.

آنچه در این میان جلب توجه می‌کند، علاوه بر

خیانت سران رژیم در زمینه همکاری با اسرائیل، هزینه گزاف خرید این سلاح‌هاست. رژیم باید هم به حق دلالتی کمیته‌های سوئدی و هم هزینه حمل سلاح‌ها به آرژانتین و از آنجا به ایران را بپردازد. تردیدی نیست که واشنگتن از این معامله خبردار است، اما ترجیح می‌دهد که در این باره سکوت کند.

واشنگتن و تل آویو در تضعیف هر دو کشور، ایران و عراق ذینفع هستند. هم اکنون امپریالیسم آمریکا از تفرقه‌ای که در نتیجه جنگ ایران و عراق بین کشورهای عربی بوجود آمده، برای تحقق سیاست تجاوزگرانه خود در منطقه استفاده می‌کند. به عقیده بسیاری از کارشناسان، در دراز مدت واشنگتن روی تغییرات مناسب در ایران به سود منافع امپریالیستی خود محاسبه می‌کند. این تغییرات در ارتباط مستقیم با تضعیف هر چه بیشتر ایران است.

بدینسان ادامه جنگ مبین ما را با انواع مخاطرات روبرو ساخته است. جنگ منبع فساد و فلاکت و گرسنگی و فقر و بیکاری است. جنگ صدها هزار جوان ایرانی را به کام خود فروبرده، شهر و روستاها را با خاک یکسان ساخته است. به این جنگ باید پایان داد. برای رسیدن به این هدف نیز باید مبارزه کرد.

اکنون بخشی از توده‌های مردم در تجربه روزمره خود به این نتیجه رسیده‌اند که ادامه جنگ که سران رژیم مقصران اصلی آن هستند، منشاء خیلی از مشکلات آنهاست. اما این روند هنوز فراگیر نیست. به همین سبب در این میان افشاکری سیاسی نقش مهمی کسب می‌کند. باید کوشید که در هر محله‌ای هسته‌های ضد جنگ تشکیل شود. این هسته‌ها می‌توانند در صورت کار دائم و حساب شده، تظاهرات ضد جنگ را سازمان دهند. خودداری از رفتن به جبهه، امتناع از کمک به ادامه جنگ و سازمان دادن مقاومت جمعی در مقابل تجاوز اوباشان حزب الهی از جمله تدابیری است که می‌توان و باید به کار گرفت.

هسته‌های حزبی موظفند که با در نظر گرفتن شرایط هر محله، هر شهر و روستا طریقه‌های رویارویی با سران جنایتکار رژیم چ.ا. را از طریق پخش تراکت و شهنامه تبلیغ کنند. مبارزه در راه پایان دادن به جنگ گامی است در راه تحقق شعار اصلی، یعنی سرنگون کردن رژیم جمهوری اسلامی.

هم اکنون عده‌ای از مبین پرستان "جمعیت ایرانیان ضد جنگ" را سازمان داده‌اند که نشریه‌ای نیز منتشر می‌شود. این کمیته با ارسال نامه به سردمداران رژیم و پخش تراکت انزجار و نفرت توده‌ها را علیه جنگ اعلام می‌دارد. باید با تمام قوا به این جمعیت یاری رساند.

درویدبر کنفرانس ملی ...

" رفقای عزیز:

برگزاری پیروزمندان کنفرانس ملی حزب توده ایران در چنین لحظات حساسی از تاریخ کشورمان را که نشانه رزمندگی انقلابی و استواری انسجام درونی حزبی ما است، به تمام اعضا و هواداران حزب توده ایران شادباش می‌گوئیم. مصوبات انقلابی کنفرانس که خود تلهوری از دیدگاه علمی حزب ما است و یکپارچگی و روحیه دمکراتیک حاکم بر آن در تصویب اسناد و در تلاش برای وحدت همه جانبه حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) ، این کنفرانس را بر نقطه عطفی در تاریخ حزب مان تبدیل کرده است. ما تصمیم پلنوم ۱۹ کمیته مرکزی حزبمان را در برگزاری کنفرانس ملی با چنان وسعت و چنان شکل دمکراتیکی، در شرایطی که عناصری معدود از درون حزب، تلاش‌هایشان را برای تفرقه افکنی در صفوف حزب و ایجاد اغتشاش فکری به بالاترین حد ممکن رسانده بودند، تصیمی شجاعانه و انقلابی می‌دانیم.

ما انتخاب کمیته مرکزی جدید حزب توسط کنفرانس ملی را که به دمکراتیک ترین شکل ممکن در شرایط کنونی حزب و جنبش میسر بود، به اعضا کمیته مرکزی و مشاوران آن و به تمام اعضا و هواداران حزب تعینت می‌گوئیم و آن را قدم بزرگی در تحکیم وحدت و انسجام صفوف حزبی می‌دانیم. ما همچنین انتخاب هیئت سیاسی

جدید توسط کمیته مرکزی منتخب کنفرانس ملی را شادباش گفته، برای آنان و کمیته مرکزی حزب مان آرزوی موفقیت در اجرای مصوبات انقلابی کنفرانس ملی را داریم.

ما بدینوسیله تعهد خود را در اجرای مصوبات علمی، انقلابی و مبارزه چریکانه کنفرانس ملی حزبمان، تحت رهبری کمیته مرکزی و هیئت سیاسی جدید آن اعلام می‌داریم.

بیش به سوی اجرای مصوبات انقلابی کنفرانس ملی حزب توده ایران!

درویدبر کمیته مرکزی حزبمان!

یکی از واحدهای هوادار حزب در داخل کشور می‌نویسد:

" رفقا

مطلع گردیدیم که کنفرانس ملی حزب توده ایران تشکیل شد و با موفقیت به کار خود پایان داد از این جهت پرشورترین دروهای انقلابی ما واحد هواداران حزب توده ایران را بهزیرید. بدون شک برگزاری موفقیت آمیز این کنفرانس در شرایط خاص بعد از بورش ارتجاع به حزب توده ایران، از مهمترین دستاوردهای حزب مادر تاریخ سراسر رزم و نبرد خویش است. اجازه دهید عهد و پیمان خود را به حزبی که راز چارواکی و اهدی پیروزمندان زحمتکشان ایران بقیه در ص ۷

پایان دادن به جنگ و برقراری صلح عادلانه در گرو پیکار پی گیر،

متحد و سازمان یافته همه نیروهای مترقی و مردمی است!

بحران اقتصادی - اجتماعی رژیم از دیدگاه ***

در چنین شرایطی مکانیسم دولتی در راه پیشگیری از رشد سرمایه داری و نوسازی جامعه بسود توده های محروم بکارگرفته می شود. ما نظر خود را صریح و آشکار اعلام کردیم و نوشتیم: "به نظر ما برای ایجاد این چنین مکانیسم دولتی همکاری نزدیک همه نیروهای مدافع منافع طبقات و اقشار زحمتکش جامعه براساس برنامه مشترک، ضرورت عاجل دارد. وحدت عمل این نیروها می تواند شالوده سیاسی دولتی با خصلت دمکراتیک را تشکیل دهد. دولت منعکس کننده اراده نیروهای راستین انقلاب با تامین شرکت گسترده زحمتکشان در اداره امور کشور، عملاً دمکراسی زحمتکشان را اعمال خواهد کرد. آنچه مسلم است این است که، زحمتکشان باید از طریق شوراها در کلیه امور مربوط به اداره کشور و کنترل امور دولتی شرکت عملی و فعال داشته باشند. در غیر اینصورت- انقلاب بتدریج از حیثیت توده ها محروم و به انزوا کشانده خواهد شد." ما خاطر نشان ساختیم: "این مطلب بر همگان روشن است که دولت مکانیسم حفظ سیادت طبقه ای هر طبقه دیگر است. نکته اینجاست که این مکانیسم در اختیار چه کسانی است: در اختیار اکثریت مظلوم و یا اقلیت ستمگر. بین حاکمیت زحمتکشان و حاکمیت سرمایه داران، شق سوم وجود ندارد. در شق نخست الغای حاکمیت و سلطه اجتماعی - اقتصادی سرمایه داری و دیگر بهره کشان مطرح است، در شق ثانی استقرار سلطه آنها."

ما تصریح کردیم: "انقلاب نمی تواند به اقتصادی تکیه کند که در آن سرمایه خصوصی حاکم است. تجربه ایران باردیگر به ثبوت رساند که اقتصاد متکی به سرمایه و تکنولوژی انحصارهای چند ملیتی و سرمایه محلی وابسته بدانها، نمی تواند اقتصادی مستقل، پیشرفته و پیویا به معنی واقعی کلمه باشد" ("دنیا"، شماره ۴، سال ۵۸، ص ۲۲).

متأسفانه باید خاطر نشان ساخت که هیچ یک از نیروهای انقلابی و مترقی در آن ایام به این خواستهای حزب ما آنچنان که باید توجه و از آنها پشتیبانی نکردند.

رژیم ج.ا. که نخست وعده "خودکفائی" می داد به تدریج یا در جای های رژیم گذشته گذارد و سرانجام اقتصاد کشور را به چنان ورطه عمیق و رشکستگی کشاند که ما امروز ناظر آن هستیم.

"برنامه جدید" رژیم برای برون رفت از بحران، از آنجایی که فاقد هرگونه پایه منطقی است و در واقع مدنی جز گسترش هرچه بیشتر نظام منحصراً سرمایه داری وابسته ندارد، نه تنها به هیچ وجه قادر به علاج بیماری مزمن اقتصاد نخواهد بود، بلکه کشور ما را هرچه بیشتر به اقتصاد جهان سرمایه داری وابسته خواهد کرد. از جمله به همین دلیل کنفرانس ملی حزب توده ایران سرنگون کردن رژیم جمهوری اسلامی را

وظیفه مهم حزب اعلام کرد. کنفرانس ملی استقرار حکومت انقلابی و دمکراتیک را شرط عمده نجات ایران از بحران عمیق اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی دانست و ارزیابی کرد که در این مرحله انقلاب بخش های دولتی و تعاونی در نظام اقتصادی کشور اولویت دارند.

تحکیم حاکمیت انقلابی با ایجاد ساختار نوین اجتماعی - اقتصادی پیوند دارد که وظیفه آن پایان دادن به واپس ماندگی و وابستگی عمیق اقتصادی است.

ما در بخش مربوط به بحران اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی رژیم جمهوری اسلامی با استناد به داده های رسمی دولت، ژرفای این بحران و بن بست را که رژیم با آن روبرو است، نشان دادیم. اقتصاد ایران از هم پاشیده است. صنایع ایران فاقد پیوند زنجیره ای است و عمیقاً به بازار جهان سرمایه داری و تجدید تولید انحصارهای فراملیتی وابسته است. فقط یک دولت انقلابی و دمکراتیک قادر به ایجاد ساختار اقتصاد ملی واقعا مستقل است. بدیهی است که منظور ما تنها رشد نیروهای مولد به هر طریقی نبوده و نیست، بلکه هدف همچنین تحول بنیادی اجتماعی - اقتصادی به سود زحمتکشان است. برای رسیدن به این هدف وظایف زیرین در برابر دولت انقلابی و دمکراتیک قرار دارد:

۱- سیاسی: سرکوب ضدانقلاب و حفظ دستاوردهای انقلاب؛

۲- اجتماعی - اقتصادی: ایجاد اقتصاد مستقل برپایه مناسبات اجتماعی نوین؛

۳- تربیت ایدئولوژیک و بازسازی فرهنگی: تجهیز توده های زحمتکش برای ساختمان جامعه نوین؛

۴- سیاست خارجی: مبارزه علیه امپریالیسم، نواستعمار، مبارزه در راه صلح و پایان دادن به جنگ و اتخاذ سیاست بیطرفی مثبت.

دولت انقلابی و دمکراتیک برآمده از انقلاب ملی و دمکراتیک عامل اساسی حفظ دستاوردهای انقلاب و سرکوب هر نوع توطئه علیه حاکمیت مردم است. تحقق این وظیفه خطیر نیازمند مکانیسم جدید دولتی است و شرکت کارگران و دهقانان تهیدست همراه با روشنفکران مترقی و خلقی در آن ضرورت دارد. چنین مکانیسمی در روند خلاقیت انقلابی توده های زحمتکش می تواند بپوشد آید.

در اسناد و مدارک مصوب کنفرانس ملی به ضرورت تشکیل مجلس موسسان برای تدوین قانون اساسی جدید اشاره شده است. قانون اساسی مکانیسم تحقق حاکمیت جدید است. مجلس موسسان با تصویب قانون اساسی حکومت را انتخاب نمی کند، بلکه موجودیت قانونی و پایه حقوقی آن را تعیین می کند. ناگفته پیداست که با تغییر تناسب نیروها در جامعه و تکامل سیستم دولتی، قانون اساسی نیز باید دستخوش تغییرات گردد تا مواد آن پاسخگوی شرایط نوین باشد.

دولت انقلابی و دمکراتیک باید نیروهای مسلح خلقی در خدمت زحمتکشان را سازمان دهد. افزون بر این کارگران و دهقانان تهیدست نیز باید آموزش نظامی ببینند و در صورت ضرورت مسلح گردند تا بتوانند مناسبات نوین اجتماعی را در برابر توطئه های امپریالیستی حفظ کنند.

هدف از انقلاب ملی و دمکراتیک مورد نظر ما

واقعیت ها تا تأییدگر نظر ما هستند

در گزارش سیاسی کمیته مرکزی به کنفرانس ملی حزب توده ایران از جمله آمده است: شکاف ژرفی میان کشورهای رشد یابنده و کشورهای سرمایه داری رشد یافته دیده می شود. جدول زیر بیانگر این واقعیت است.

شکاف میان کشورهای رشد یافته سرمایه داری			
ورشدهایان در عرصه های آموزش و پرورش، علم و تکنیک			
کشورهای رشد یافته	کشورهای رشد یافته سرمایه داری		
	آسیا	آفریقا	آمریکای لاتین
تعداد دانشمندان و مهندسان به ازای هر ۱۰ هزار نفر	۲۸۵/۲	۱۵۷/۶	۶۸/۷
تعداد شاغلین در تحقیقات علمی و طراحی به ازای هر ۱۰ هزار نفر	۱۶/۶	۱/۲	۱/۹
هزینه برای اینگونه کارها نسبت به درصد محصول ناخالص ملی	۱/۲	۰/۵	۰/۲
در صد باسوادان	۹۸/۵	۶۴/۵	۸۵/۰
درصد کودکانی که امکان تحصیل دارند	۹۱/۰	۶۹/۵	۸۲/۰

واقعیت‌ها تا آید که نظر ماه‌هاستند

یکی از حلقه‌های اصلی زنجیر اسارت‌بار سیستم بهره‌کشی نواستعماری، بدهی عظیم کشورهای آسیا و آفریقا و آمریکای لاتین به کشورهای رشدیافته صنعتی جهان غرب است. در حال حاضر وام خارجی که زائیده صدور سرمایه و در ارتباط مستقیم با تشدید بحران در بازار جهانی سرمایه داری از سوی و تضعیف موضع کشورهای رشدیافته از سوی دیگر است، یکی از مهمترین اشکال نواستعماری بهره‌کشی از این کشورها بشمار می‌رود.

(گزارش سیاسی کمیته مرکزی به کنفرانس ملی حزب توده ایران)

افزایش وام خارجی و سهم بهره کشورهای رشدیافته (به میلیارد دلار)

۱۹۸۵	۱۹۸۴	۱۹۸۳	۱۹۸۰	۱۹۷۷	
۱۰۰۰	۸۶۲	۷۸۲	۵۵۹	۳۲۸	کل وام
					کل پرداخت اقساط
۱۴۲/۹	۱۲۱/۲	۱۱۱/۷	۸۹/۶	۳۹/۶	وام و بهره آن
					از آنجمله :
۶۲/۲	۴۹/۸	۴۶/۷	۴۲/۸	۲۴/۲	اقساط وام
۸۰/۷	۷۱/۵	۶۵/۰	۴۵/۸	۱۵/۴	بهره پرداخت شده

عبارات خواهد بود از تامین سیادت خلق پر وسائل تولید. به نظر ما بخش دمکراتیک دولتی می‌تواند نقش موثری در این زمینه ایفا کند. زیرا بخش دولتی عامل اصلی ایجاد اقتصاد ملی مستقل و بازسازی همه مناسبات اجتماعی برپایه نوین تبدیل خواهد شد.

بنابراین دولت انقلابی و دمکراتیک باید جهت عمده فعالیت اقتصادی را با بهره‌گیری از شیوه‌های برنامه ریزی علمی اقتصاد و تعیین حدود مالکیت و اشکال گوناگون آن معین کند. فعالیت موسسات دولتی را سازمان دهد و سرانجام به مثابه بزرگترین سرمایه گذار و مالک وسائل و ابزار تولید انجام وظیفه کند. به بیان دیگر دولت وظیفه دوگانه‌ای به عهده خواهد داشت: تنظیم مناسبات اقتصادی - اجتماعی بر اساس قوانین مترقی و در اختیار داشتن وسائل عمده تولید.

دولت انقلابی و دمکراتیک عملکرد خود را با شرایط واقعی حاکم پر جامعه، سطح رشد نیروهای مولد، امکان‌های اقتصادی و مالی، منطق می‌سازد. پرهیز دادن به امکان‌های اقتصادی و چشم از مرحله‌ای به مرحله دیگر، بدون وجود شرایط ضروری، دستاوردهای انقلاب را با خطر روبرو خواهد ساخت. به همین سبب چنانچه در اسناد و مدارک مصوب کنفرانس ملی تصریح شده نظام اقتصادی مورد نظر حزب توده ایران مرکب است از بخش‌های دولتی و تعاونی و خصوصی با اولویت دو بخش نخست و تحدید بخش خصوصی و نظارت دولت بر عملکرد آن.

فقط با تکیه بر بخش دولتی می‌توان اقتصاد برنامه‌ای را بنهائیه عامل مهم رشد اجتماعی - اقتصادی بسود زحمتکشان تامین کرد. استقرار، تقویت و تحکیم شکل مالکیت عمومی، در شرایط تمرکز اهرم‌های دولتی در دست طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان می‌تواند در آخرین تحلیل به حل مهمترین مسئله اجتماعی، یعنی از بین بردن کامل بهره‌کشی فرد از فرد منجر گردد.

کشور ما هم اکنون دارای بخش دولتی نسبتاً نیرومندی است. اما خصلت آن سرمایه‌داری است. به همین سبب اگر در گذشته بخش دولتی سرمایه‌داری در خدمت گروه‌های مالی - صنعتی و همدستان خارجی آن قرار داشت، امروزه ایجاد "میلیاردرهای نوخاسته" یاری می‌رساند. تمرکز نقدینگی عظیم که در تاریخ معاصر ایران بیسابقه بوده، در دست عده انگشت شماری از کلان سرمایه‌داران گویای خصلت ارتجاعی عملکرد دولت و بخش دولتی است. "میلیاردرهای نوخاسته" دستیابی به سود هرچه بیشتر در اسرع زمان را ترجیح می‌دهند و لذا به سوی تجارت و احتکار روی آورده‌اند و از سرمایه‌گذاری در صنایع که روند بازگشت به سودآوری آن نیاز به زمان دارد، خودداری می‌کنند. البته حرف فقط بر سر این مسائل نیست. ایجاد صنایع مدرن تولید و وسائل تولید، موسسات عظیم پتروشیمی و شیمیایی با استفاده از منابع داخلی و نیز موسسات تولید انرژی، ایجاد سدها و کانال‌های آبیاری و غیره نیاز به سرمایه

گذاری کلان دارد که معمولاً نمی‌تواند کوتاه مدت سودآور باشد. کلان سرمایه‌داران، هم در گذشته و هم در حال حاضر، از سرمایه‌گذاری در اینگونه رشته‌ها خودداری کرده‌اند. از اینرو بخش دولتی کم و بیش نیرومند تقریباً در همه کشورهای رشدیافته وجود دارد. ولی بخش دولتی تحت نظارت دولت انقلابی و دمکراتیک مورد نظر ما هدفمند است و در خدمت محرومان جامعه قرار خواهد گرفت.

سرمایه خصوصی در شرایط کنونی در کشورهایی نظیر ایران قادر به تامین استقلال اقتصادی نهوده و نیست. اصولاً در سیستم اقتصاد بین‌المللی سرمایه‌داری، راه برون رفت از واپس ماندگی اقتصادی برای کشورهای عقب مانده وجود ندارد. از اینجا این نتیجه را می‌توان گرفت که ایجاد بخش دولتی و توسعه و تحکیم آن به مثابه بخش کلیدی برای تحقق سیادت دولت انقلابی و دمکراتیک بر کلیه عرصه‌های اقتصادی ضرورت حاد دارد.

توسعه بخش دولتی علاوه بر سرمایه‌گذاری مستقیم، از طریق ملی کردن صنایع سرمایه‌داران بزرگ نیز امکان پذیر است، یعنی کاری که پس از پیروزی انقلاب تحت فشار توده‌های زحمتکش انجام شد. اما اینگونه ملی کردن فقط وقتی ثمربخش خواهد بود که موسسات صنعتی مستقیماً تحت نظارت بخش دولتی قرار گیرند و کارگران در اداره آنها شرکت موثر داشته باشند. در شرایط مشخص کشور ما می‌توان، کارگران و کارکنان را در این نوع موسسات صنعتی بدون دریافت حق السهم به عنوان سهامدار شریک کرد. در این صورت می‌توان از شیوه خودگردانی استفاده کرد. در چنین موسساتی مالکیت مشترک از آن دولت و کارگران خواهد بود. چنین مالکیتی از لحاظ ماهیت به مالکیت همه خلقی نزدیک است، اما همان با آن نیست. بخش خودگردانی حد فاصل میان تعاونی‌ها و بخش دولتی است.

فعالیت گسترده دولت انقلابی و دمکراتیک در زمینه رهبری، نظارت، برنامه‌ریزی و

سرمایه‌گذاری در اقتصاد، به عامل تعیین کننده تبدیل می‌شود. در چنین شرایطی درجه فعالیت دولتی به سرشت اجتماعی مالکیت بستگی دارد.

پس از انقلاب بهمن ۵۷ بانکها ملی شد. اما از آنجایی که سیستم بانکی برپایه نظام سرمایه‌داری عمل می‌کند، فعالیت آن در جهت حفظ منافع کلان سرمایه‌داران است. در نظام مورد نظر ما سیستم اعتباراتی به حربه موثر تامین استقلال اقتصادی در جهت دفاع از منافع زحمتکشان تبدیل خواهد شد.

سیستم بانکی و مجموعه امکان‌های دولت باید صرف رشد تولید صنعتی برپایه منابع داخلی و رشد تولید کشاورزی گردد. در ارتباط با این مسئله مهم، ملی کردن بازرگانی خارجی بنهائیه یکی از وظایف دولت انقلابی و دمکراتیک مدنظر است. ایجاد موسسات دولتی برای خرید و توزیع کالا، اعم از صنعتی و کشاورزی، ضرورت حاد دارد و یکی از اهرم‌های مهم تثبیت و کنترل قیمت‌ها بشمار می‌رود. پدیده‌ای است که منظور خرید و فروش عمده کالایی است و حرف بر سر توزیع خرده کالایی نهوده و نیست. هم اکنون ۲ میلیون کسه به این کار اشتغال دارند و در آینده نیز مورد حمایت دولت انقلابی و دمکراتیک قرار خواهند گرفت.

ایجاد موسسات کشت و صنعت در بخش دولتی از اهمیت خاصی برخوردار است. بخش دولتی در کشاورزی دو وظیفه بعهده دارد: تولید بخشی از محصولات استراتژیک کشاورزی و کمک به رشد و توسعه بخش تعاونی در روستاها از طریق تامین بذر مرغوب، مواد سمی، کودشیمیایی، اعتبارهای مالی، تشکیل مراکز خدمات روستایی و غیره.

چنین است نکاتی چند پیرامون فعالیت بخش دولتی از دیدگاه حزب ما. از هم پاشیدن ساختار اقتصاد وابسته و پایه گذاری اقتصادی سالم و مستقل و تجدید سازمان مناسبات اجتماعی از جمله وظایف عمده بخش دولتی است. دستیابی به این هدفها در گرو تمرکز همه توان، تجهیز کلیه

بحران اقتصادی - اجتماعی رژیم

منابع طبیعی و نیروی انسانی داخلی، تحقق مجموعه‌ای از تدابیر سیاسی، حقوقی، اقتصادی، مالی، ایدئولوژیک و فرهنگی است. این نیز فقط از عهده دولت پرخاصه از مردم برمی‌آید.

پوشیده نیست که دولت در ارتباط با ستمگیری سیاسی وظایف مختلفی را می‌تواند به بخش دولتی اقتصاد واگذار کند. بخش دولتی می‌تواند به عنوان عامل فرعی تأمین زمینه رشد بخش خصوصی باشد و یا به مثابه حربه اصلی برای تأمین منافع توده‌های زحمتکش عمل کند. در این شکل اخیر، بخش دولتی نه تنها وسیله مهم ساختمان اقتصاد مستقل ملی است، بلکه در عین حال وسیله مهم ایجاد تحول بنیادی اجتماعی نیز خواهد بود. این همان تداوم انقلاب ملی و دمکراتیک است که باید ست قطعی رشد اجتماعی - اقتصادی را نیز تعیین کند. به همین سبب اسناد و مدارک کنفرانس ملی این امر را در پیوند مستقیم با تأمین رهبری حزب واحد پیشاهنگ طبقه کارگر می‌داند.

حزب ما گردهم آئی زحمتکشان از طریق انواع تعاونیها را بخش جدایی‌ناپذیر مجموعه تحولات اجتماعی - اقتصادی می‌داند. ایجاد بخش رشد یافته تعاونی دربرگیرنده جوانب گوناگون سیستم اقتصاد ملی، شرط ضروری پیشرفت اجتماعی است.

مدرنیزه کردن و توسعه تولید کشاورزی، یکی از شرایط اساسی تأمین مردم کشور از حیث محصولات کشاورزی و پایان دادن به واردات اینگونه محصولات از خارج است. بنابراین بهره‌گیری از تکنیک معاصر و بهبود شیوه‌های کشت و داشت و برداشت در دستور روز قرار دارد. این نیز بدون تشکیل تعاونیها و در حله نخست تعاونیهای تولیدی در روستاها امکان پذیر نیست.

در حدود نیمی از مردم کشور ما در روستاها زندگی می‌کنند و اکثر آنها فاقد زمین و یا صاحب قطعه کوچکی زمین هستند. بهره برداری از مزارع کوچک هنوز هم در شکل ابتدایی است. این عوامل عینی ایجاد تعاونیها را ضروری می‌سازد. بخش تعاونی علاوه بر تولید کشاورزی، دامی و صنعتی، عرصه‌های توزیع، مصرف و دیگر خدمات را نیز دربرمی‌گیرد، یعنی آن عرصه‌هایی را که به علت پراکندگی تابع برنامه ریزی دولتی نیستند. به همین سبب بخش تعاونی اهم موثر اجرای سیاست پیشرفت اجتماعی - اقتصادی پشمار می‌رود. زیرا، این بخش امکان آن را خواهد داد که دولت بتواند رشد برنامه‌ای مجموعه شرکت های تعاونی شهر و روستا را تأمین کند و به عقب مانده ترین نهادهای اقتصادی از لحاظ مالی و فنی یاری رساند.

در شرایط استقرار حاکمیت مردم، تعاونی کردن، یکی از شرایط تعیین کننده موفقیت انقلاب ارضی است. اصلاحات ارضی در کشور ما باید در جهت پایان دادن به بزرگ مالکی از طریق مصادره و واگذاری زمین به دهقانان کم زمین و بی زمین، عملی گردد.

تأمین خودکفائی محصولات کشاورزی که یکی از وجوه تأمین استقلال اقتصادی است، مسئله بسیار مهم حفظ و تأمین تجدید تولید فزاینده درازمدت در کشاورزی و پایان دادن به ناهمگونی درونی ساختار تولید کشاورزی به معنی فقدان تناسب بین رشد تولید زراعی از سویی و تولید دامی از سوی دیگر و نیز ایجاد تناسب بین رشد صنعتی و رشد کشاورزی و بالاخره افزایش بهره دهی از واحد زمین زیرکشت را مطرح می‌سازد.

تعاونیهای مورد نظر ما نقش دوگانه‌ای را ایفا خواهند کرد. از سویی به عنوان سازمان اقتصادی، یگانه وسیله تجمع انبوه تولیدکنندگان خرده‌پا خواهند بود، و از سوی دیگر این مسئله موجب آن خواهد شد تا تعاونیها بتوانند به تکنیک جدید و شیوه‌های معاصر بهره‌گیری اقتصادی دست یابند. بخش تعاونی به مثابه یک سازمان اجتماعی در روند تجدید سازمان ساختار اجتماعی - اقتصادی موجهات ترقی سطح زندگی زحمتکشان را فراهم خواهد ساخت. گردهم آئی میلیونها انسان براساس دمکراتیک در تعاونیها برای حل آماج های انقلاب ملی و دمکراتیک و تداوم آن ضرورت حاد دارد. بدینسان تعاونیها به یکی از منابع بزرگ انباشت سرمایه مبدل خواهند شد.

بخش تعاونی بخودی - خود به هیچ وجه به معنی شکل سوسیالیستی سازماندهی جامعه نبوده و نیست. تعاونیهای مورد نظر ما دارای مضمون گذارمناسبات اجتماعی هستند. با تغییر خصلت مناسبات اجتماعی، با گسترش نفوذ نیروهای سیاسی منعکس کننده منافع طبقه کارگر و دهقانان در حاکمیت، نقش عناصر سوسیالیستی در سیستم تعاون افزایش خواهد یافت.

دولت انقلابی و دمکراتیک همراه با دهقانان کم زمین و بی زمین که در شوراها روستائی تجمع خواهند کرد، سازمان دهندگان تعاونیها در روستاها خواهند بود. دولت تجهیز همه جانبه تعاونیهای تولید را بعهده خواهد گرفت. این کار، شرایط تغییر مناسبات تولیدی در روستاها را در جهت سد کردن رشد مناسبات ارضی سرمایه‌داری، تأمین خواهد کرد.

تنوع شرکت های تعاونی، چارچوب عملکرد و درجه استقلال آنها، شرط ضروری به اصول تعاون دمکراتیک است. تعاونیها در کلیه عرصه‌ها باید دارای برنامه‌های ویژه هماهنگ با برنامه اقتصادی دولت باشند. تعیین قیمت های ثابت و عادلانه خرید محصولات شرکتهای تعاونی اهمیت زیادی در توسعه و تقویت آنها دارد. باید کوشید که بخش تعاونی در حل معضلات اجتماعی - اقتصادی به سازمان نوین انبوه زحمتکشان شهر و روستا تبدیل گردد.

نقش رهبری دولت انقلابی و دمکراتیک در تجدید ساختار اقتصادی به قصد نیل به استقلال در مالکیت وسائل و ابزار تولید محدود نمی‌شود، بلکه در عین حال نظارت بر فعالیت سرمایه‌های کوچک و متوسط را نیز دربرمی‌گیرد.

سطح کنونی رشد اجتماعی - اقتصادی ایران، استفاده معقول از کلیه وسائط از آنجمله صنایع

کوچک را که بیش از ۹۰ درصد کارگاه های موجود کشور را تشکیل می‌دهد، برای رشد نیروهای مولد ضروری می‌سازد. تردیدی نیست که ضرورت الغای مالکیت خصوصی بر ابزار و وسائل تولید به مثابه هدف غائی انقلاب، با اصل شرکت سرمایه خصوصی در رشد نیروهای مولد در تضاد است. به نظر ما برخورد این دو تمایل متضاد است که در آخرین تحلیل می‌باید تعیین کننده سیاست دولت انقلابی و دمکراتیک نسبت به بخش خصوصی باشد. این سیاست در عین گسترش اشکال دولتی و تعاونی مالکیت و تمرکز مواضع کلیدی اقتصاد ملی در دست دولت، همکاری با بخش خصوصی را نفی نمی‌کند. مسئله اساسی در این مورد خصلت همکاری است. دولت انقلابی و دمکراتیک می‌تواند و باید سرمایه‌های کوچک و متوسط را در جهت رشد نیروهای مولد بر اساس برنامه اقتصادی بکارگیرد.

حزب توده ایران بر آن است، در صورت تأمین رهبری حزب واحد پیشاهنگ طبقه کارگر، مرحله ملی و دمکراتیک انقلاب، زمینه گذار به سوسیالیسم در دراز مدت را فراهم خواهد ساخت. در این فاصله هرگونه برخورد دمکراتیک، هم به نقش بخش دولتی و هم به نقش بخش خصوصی مورد نظر می‌تواند بی‌آمدهای مخربی را در پی داشته باشد. به عقیده ما آنچه که در این میان حائز اهمیت است حل مسائل حاد موضوع طبقاتی و با معیارهای طبقاتی است. معیارهایی که بوسیله آنها افکار و اندیشه‌ها مورد آزمایش قرار می‌گیرند و در آخرین تحلیل اعمال اراده زحمتکشان راه تحقق بخشیدن به آنها را فراهم خواهد ساخت.

آنچه مسلم است باید به سیادت کلان سرمایه‌داران و بزرگ مالکان پایان داد. این نیز فقط با سرنگون کردن رژیم ارتجاعی حامی آنان امکان پذیر است. دولت انقلابی و دمکراتیک زائیده انقلاب، مسئولیت پایان دادن به واپس ماندگی و ایجاد اقتصاد ملی و مستقل را بعهده خواهد گرفت.

ناگفته پیداست که پیشروی در راه ترقی اجتماعی، مسئله بسیار مهم بالابردن سطح فرهنگ و پرورش ایدئولوژیک توده‌ها را در دستور روز قرار می‌دهد. در عصر انقلاب علمی - فنی برای دستیابی به استقلال اقتصادی به کارکنان آموزش دیده و با فرهنگ نیاز هست و این نیاز تنها شامل عرصه تولید صنعتی نیست، بلکه همه جوانب ساختار اقتصاد ملی را دربرمی‌گیرد. حرف تنها بر سر تربیت کارگران ماهر، مهندسان، اقتصاددانان، پزشکان، کارشناسان کشاورزی، طراحان و مخترعان و یا باسواد کردن دهقانان و غیره نیست. دولت انقلابی و دمکراتیک نیاز مهم به سازمان دهندگان جامعه نوین دارد. پوشیده نیست که اکثریت این سازمان دهندگان که در زمره زحمتکشان خواهند بود که هنوز تصور روشن و جامعی از روندهای اساسی اجتماعی - سیاسی ندارند.

در پایان تذکر یک مسئله مهم دیگر نیز ضروری

روند رویدادهای نوین در ...

مادی به روحانیت رسیدگی می‌کند. پس از مرحله نوین انقلاب، مبلغ ۲۰۵ میلیون افغانی از محل بودجه دولتی برای تعمیر و احداث مساجد صرف شده است. فقط در شهر کابل ۵۷ مسجد جدید ساخته شده و تعمیر ۵۲۷ مسجد دیگر پایان یافته است. در سالهای استقرار حکومت خلقی مبلغ ۸۱ میلیون افغانی برای ساختمان و تعمیر مساجد و نیز کمک به روحانیون پرداخت شده است. این رقم به مراتب بیش از مبلغی است که در طی ۵۰ سال فرمانروایی دیگر رژیمها در این راه مصرف شده است.

در آئینه این ارقام، کذب تهللیغات ضدافغانی رسانه‌های گروهی غرب دربارۀ به اصطلاح "تعقیب و پیگرد مسلمانان و روحانیون"، "بستن در مساجد" و... آشکارا دیده می‌شود.

در نوار مرزی، بویژه در منطقه قبايل پشتون، برنامه سد کردن راه نفوذ ضد انقلاب به داخل افغانستان، مورد پشتیبانی همه جانبه قرار گرفت. مردم از برنامه بهبود زندگی قبايل استقبال کردند. روسای قبايل در ایالت‌های قندهار و زابل آمادگی خود را برای تامین صلح و امنیت در مناطق خود اعلام داشتند.

در مناطق تحت نفوذ ضد انقلاب، اهالی پس از شنیدن اخبار مربوط به بیانیه شورای انقلاب به مقاله آشکار با ضدانقلابیون برخاستند. در روستاهای این مناطق دهقانان اعلام کردند، هر کسی که حاضر به زندگی مسالمت آمیز نیست باید این روستاها را ترک کند. در ایالت هوره مزدوران ضدانقلابی موسوم به "حرکت انقلابی" (!) تحت فشار مردم به کوهها پناه بردند.

تحت تاثیر بیانیه شورای انقلاب افراد فریب خورده از پاندهای ضد انقلابی جدا شده و تسلیم نیروهای دولتی می‌شوند. مثلا، در روزهای نخست

پس از انتشار بیانیه، ۱۰ گروه مسلح که تعداد آنها بالغ بر ۹۰۰ نفر می‌شد، تسلیم نیروهای نظامی افغانستان شدند و این روند همچنان ادامه دارد. در ایالت "کونار" بخشی از گروه میرزمان وابسته به "حزب اسلامی" از رئیس خود خواستند تا به جنگ مسلحانه پایان دهد. تعداد فراریان پاندهای ضدانقلابی روز بروز افزایش می‌یابد.

یکی از مسایل مهم دیگر مورد نظر بیانیه شورای انقلاب که اهمیت ویژه‌ای در شرایط افغانستان دارد، توجه به روابط متقابل دولت با پروروزاری ملی است. باید خاطر نشان ساخت که عملکرد بخش خصوصی نقش مهمی در اقتصاد ملی افغانستان دارد. ۸۰ درصد حجم تجارت داخلی و بیش از ۵۰ درصد بازرگانی خارجی در دست بخش خصوصی است. ۲۹۶ هزار نفر به امور پیشه‌وری و افزایش درآمدی مشغولند که سالیانه کالاهایی به ارزش ۱۴۰۴۵ میلیارد افغانی تولید می‌کنند. در ۳۷۴ موسسه صنعتی خصوصی جمعا به ارزش ۲ میلیارد افغانی کالا تولید می‌شود. دولت افغانستان تدابیر جدیدی برای گسترش فعالیت بخش خصوصی اتخاذ می‌کند. مثلا، همه موسسات خصوصی از زمان آغاز تولید به مدت ۴ تا ۶ سال از پرداخت مالیات معاف هستند.

سازمانهای حزبی و اجتماعی در موسسات تولیدی، در حل مسایل به صاحبان آنها یاری می‌کنند. نمایندگان پروروزاری ملی در افغانستان برآنند که برنامه جدید دولت به تحکیم پایه‌های اقتصاد، توازن قیمت‌ها، بهبود وضع زندگی مردم کمک کرده و از همه مهمتر شرکت پیشه‌وران و صاحبان سرمایه کوچک را در اداره امور کشور تامین می‌کند.

سیاست جلب فعال نیروهای جدید سیاسی و از آنجمله روشنفکران غیر حزبی برای اداره امور کشور تاثیر مثبتی در جامعه گذارده است. تزه‌های مربوط به گسترش آموزش و پرورش و

درود بر کنفرانس ملی * * *

و سرنوشت نهائی خلق بر پیشانی بلند و سترگ آن نوشته شده، تجدید و تاکید کنیم، حزبی که در تاریخ پرافتخار خویش از هولناک ترین شکنجه‌ها و چهنی ترین زندان‌ها و آستانه ارغوانی صدها سحرگاه خونین عبور کرده و با اخگر صدها هزار قلب هرگونه آبنده بهروز بوسه زده است. و به راستی مگر بقای یک حزب انقلابی در چیست

ما مفهوم خونین و پرشکنجه، اما غرور انگیز آرمان داشتن و بخاطر آن نهره کردن و به راه

چنین است چکیده تصمیم‌های کنفرانس ملی حزب توده ایران برای برون رفت از بحران ساختاری کنونی. ما کوشیدیم تا نکات گرهی دستیابی به استقلال اقتصادی را مشروحا بیان کنیم، تا همه نیروهای محرکه انقلاب ملی و دمکراتیک به مضمون برنامه حزب توده ایران عمیقاً بی‌بهرند. وظیفه کلیه اعضا، حزب، در هر کجا که هستند، بردن این نظرات حزب به درون طبقات و اقشار جامعه است.

فرهنگ و نیز تشکیل اتحادیه‌های هنرمندان، با استقبال روبرو شده است.

در بیانیه شورای انقلاب، گسترش پایه اجتماعی انقلاب و توسعه رهبری ارگانها و نهادهای دولتی برای جلب نمایندگان گروهها و لایه‌های مختلف در نظر گرفته شده بود. این امر در ژانویه ۱۳۶۵ به موقع اجرا گذارده شد. ۷۸ نفر دیگر به عضویت شورای انقلاب انتخاب شدند. در میان انتخاب شدگان، کارگران، دهقانان، روشنفکران، روحانیون و نیز نمایندگان دیگر گروههای اجتماعی قرار دارند. اکثر این نمایندگان غیرحزبی هستند. سه نفر از شخصیت‌های غیر حزبی به معاونت صدر شورای انقلاب انتخاب شدند: صدرا اتحادیه فرش فروشان و صدر چرخه مشورتی و صاحب الخاک، روحانی. افزون بر این، رهبر اسماعیلیه، سعید منصور کیانی، حاجی محمد آصف، پیشه‌ور، محمد عاصم سیستانی، رئیس آکادمی علوم جمهوری دمکراتیک افغانستان، ناصر دهقان، صدراعوانی، و غیره به عضویت شورای انقلاب انتخاب گردیدند. آیا همین فاکتها دلیل بارز نظرات مبلغین امپریالیسم دایربر وجود "دیکتاتوری حزب کمونیست" در افغانستان نیست؟

حزب دمکراتیک خلق افغانستان و شورای انقلاب برای تامین حضور هر چه بیشتر نمایندگان گروههای اجتماعی، تغییراتی در ترکیب کابینه بعمل آوردند. سید امان الدین امین (غیرحزبی) به معاونت نخست وزیر منصوب شد. نمایندگان خلقهای پشتون، خزر، تاجیک و غیره به سمت وزیر در کابینه شرکت دارند.

تدابیر حزب و دولت در افغانستان با نیازهای مشخص - تاریخی این کشور در مرحله ملی و دمکراتیک انقلاب، انطباق کامل دارد و بدون تردید می‌توان گفت که تاثیر مهمی در تداوم انقلاب خواهد داشت.

زحمتکشان سر و دست فدا کردن و در سخت ترین و بیاس آرتترین شرایط اختناق به امر بهروزی محتوم خلق مومن بودن را از حزب خویش آموخته ایم و اکنون بیش از پیش احساس می‌کنیم که به حزب توده ایران مدیونیم.

رفقا

تردید نمی‌خواهیم داشت که این کنفرانس مهم تاریخی حزب توده ایران همچون دیگر رویدادهای مهم و تاریخی، راهگشای حل معضلات کنونی جنبش و حزب خواهد بود.

درود به همه شهدای حزب توده ایران و دیگر نیروهای انقلابی!

درود به زندانیان توده‌ای!

درود به رفقایایی که مشعل و پرچم حزب را در سراسر جهان برافراشته و فروزان نگه میدارند!

زنده باد حزب توده ایران، حزب طراز نوین طبقه کارگر ایران! "



روند رویدادهای نوین در افغانستان دموکراتیک

مهمترین وظیفه عبارت است از ایجاد چنان چوری در سراسر کشور که بتوان مسایل مورد اختلاف را با مشورت جمعی و از طریق مسالمت آمیز، بدون بکارگیری سلاح و در شرایط تفاهم متقابل حل و فصل کرد. سند برنامه ای روی این موضوع تکیه می کند.

درسند تصریح می شود که هیچگونه مانعی در برابر تشکیل گروهها و سازمانهای اجتماعی - سیاسی جدید وجود نخواهد آمد، بشرطی که این گروهها و سازمانها با هدفهای انقلاب ثور مخالفتی نداشته باشند، در جهت ملی - میهنی با ارگانهای حاکمیت همکاری کنند و در راه وحدت و یگانگی قشرها و طبقات مختلف جامعه بکوشند.

بباینجه شورای انقلاب بزودی توجه عمومی را جلب کرد. بحث دموکراتیک در شهرها و روستاها پیرامون مفاد بیانیه آغاز شد که در موارد عدیده از پدیده های منفی در کار ارگانهای حزبی و دولتی انتقاد بعمل آمد.

تزه های مربوط به مذهب در بیانیه شورای انقلاب مورد استقبال روحانیت قرار گرفت. تضمین دفاع از مذهب اسلام، آزادی برگزاری مراسم مذهبی، نگهداری و ساختمان مساجد و نیز کمک مادی به روحانیت، از جمله مسایلی بود که مورد توجه همگان قرار گرفت.

ناگفته پیداست که مذهب همیشه به مثابه عامل مهم و موثری در حیات اجتماعی افغانستان حضور داشته و روحانیون نقش مهمی در مسایل اجتماعی ایفا می کرده اند. دولت انقلابی افغانستان با حمایت از مذهب و کمک به روحانیت، در واقع به سنن رایج در کشور احترام می گذارد.

به همین سبب احترام به دین اسلام و آزادی مراسم مذهبی در قانون اساسی موقت از لحاظ حقوقی تضمین شده است. دولت به امام جمعه ها حقوق می دهد، هزینه حوزه های علمیه را می پردازد و به آنانی که برای زیارت مکه می روند کمک مالی می کند. در کشور پیش از ۲۲ هزار مسجد و ۲۵ هزار روحانی وجود دارد.

برای نخستین بار در تاریخ کشور وزارت خانه اسلام و اوقاف در افغانستان تشکیل شده که به مسایل مذهبی و از آنجمله مسایل مربوط به کمک

بقیه در ص ۷

و مذهبی و غیره، از عوامل زاینده این وضع بود. در ایجاد چنین وضعی، تبلیغات ضد انقلاب و نیز اشتباه های مرحله نخست انقلاب و نایده گرفتن ویژگیها و سنن فرهنگی نیز اهمیت بسیاری داشتند.

طبیعی است که همه این عوامل موجبات تحدید پایه اجتماعی انقلاب افغانستان را فراهم آورد و بدینسان در جنگ اعلان نشده، مبارزه با ضدانقلاب را که از حمایت امپریالیسم برخوردار بود، مشکل ساخت.

سهر حوادث نشان داد که بدون تحکیم خصلت ملی - دموکراتیک انقلاب، تداوم آن امکان پذیر نخواهد بود. رهبران افغانستان می بایست برای



جراید: ... سران مجاهدین افغانی به حضور رهبران شرفیاب شدند.

بهر طرف ساختن اختلافها در جامعه تدابیر جدی اتخاذ می کردند و در صورت ضرورت با نیروهای سالم سیاسی که موضع خصمانه ای نسبت به انقلاب نداشتند، به سازش تن در می دادند.

اجلاسیه فوق العاده و وسیع شورای انقلاب افغانستان که در ۱۸ آبان ۱۳۶۴ در کابل تشکیل شد، به حل و فصل این مسایل اختصاص داشت. شورای انقلاب بیانیه مشهوری تحت عنوان "پیرامون خصلت ملی - دموکراتیک انقلاب ثور و وظایف عاجل آن در شرایط کنونی" منتشر ساخت که نقطه عطفی در تداوم انقلاب ثور بشمار می رود. در این سند برنامه ای شرکت فعال سازمانهای اجتماعی توده ای و نمایندگان همه گروههای اجتماعی مردم در انجام وظایف فوری اجتماعی - اقتصادی، از قبیل رشد صنعتی و کشاورزی، اصلاحات ارضی، ریشه کن ساختن بیسوادی و غیره، در نظر گرفته شده است. تردیدی نیست که در شرایط کنونی افغانستان،

پرش: در این اواخر در ارتباط با تدابیر اتخاذ شده از جانب رهبری حزب دموکراتیک خلق افغانستان، رسانه های گروهی امپریالیستی تبلیغات گسترده ای را علیه جمهوری دموکراتیک افغانستان براه انداخته اند. در صورت امکان درباره آنچه در افغانستان می گذرد توضیحی در "نامه مردم" بدهمید.

پاسخ: رویدادهای افغانستان از جمله تدابیر کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان را می توان در یک جمله خلاصه کرد: گسترش پایه اجتماعی انقلاب.

در واقع حزب دموکراتیک خلق افغانستان با در پیش گرفتن این سیاست صفحه نوینی را در تاریخ انقلاب ثور گشوده است که بدون تردید تاثیر فوق العاده ای در روند آتی پیشرفت جامعه خواهد داشت. تشدید تبلیغات سوء رسانه های گروهی کشورهای امپریالیستی را نیز باید از این دیدگاه مورد بررسی قرارداد.

کوشش برای تاثیر گذاری زوانی در افکار عمومی جهان به قصد وارونه جلوه گر ساختن آنچه که در افغانستان می گذرد، بخش جدایی ناپذیر جنگ اعلان نشده ارتجاع بین المللی، علیه کشور برادر و همسایه ماست. تصادفی نیست که رسانه های گروهی جهان غرب با تمام قوا می کوشند چنین وانمود سازند که دولت جمهوری دموکراتیک خلق افغانستان فاقد "استقلال" است و با مردم کشور پیوند ندارد و گویا در این کشور "دیکتاتوری حزب" حکمروایی می کند.

حال آنکه رویدادهای داخلی افغانستان و از جمله تدابیر متخذ در جهت دموکراتیزه کردن نظام اجتماعی و گسترش پایه اجتماعی انقلاب ثور، ماهیت ضد افغانی تبلیغات امپریالیستی را فاش می سازد.

ماهیت آنچه که در افغانستان می گذرد چیست؟

انقلاب ثور که به رهبری حزب دموکراتیک خلق افغانستان پیروز شد، دارای ریشه های تاریخی عمیق است و خصلت ملی و دموکراتیک دارد و در خدمت خلق و تأمین سعادت مردم پیش می رود. هدفهای اساسی آن در قانون اساسی موقت جمهوری دموکراتیک افغانستان به صراحت اعلام شده است. این هدفها بطور عمده عبارتند از تحول بنیادی در ساختار اجتماعی - اقتصادی عقب مانده، رهایی مردم از فقر، گرسنگی و بی حقوقی.

باید در همینجا متذکر شد که متاسفانه در آغاز همه مردم و حتی بخشی از توده های زحمتکش آنچنان که باید هدفهای انقلاب ثور را درک نکردند. بیسوادی فراگیر و آداب و سنن فئودالی

کمکهای مالی رسیده:

- ع. استوار از خلیج ۸۴۰ مارک
- فریده از اسن ۱۰۰۰ مارک
- پاک از دوسلدرف ۱۰۰۰ مارک
- از شهر مونیخ ۲۹۰ مارک
- به خاطر چاپ دنیا ۲۲۲ مارک

NAMEH
MARDOM
No. 113

P.B. 49034
10028 Stockholm 49
Sweden

31 July 1986

جنبه متحد خلق ضامن پیروزی انقلاب است